یادداشت روز

همه این اتفاقات طی ۳ روز رخ داد!

دو اتفاق عجیب در دو نقطه از جهان جریان دارد که از قضا، شباهت‌های عجیبی هم با هم دارند؛ تحولات «غزه» و «الحدیده» یمن. در هر دو نقطه مسلمانان مظلومی ساکنند که اشغالگران موی دماغشان شده‌اند. در هر دو تربیت‌یافتگان مکتب امام در حال نبرد با اشغالگرانند، هر دو نقطه از هوا و زمین و دریا محاصره شده آن هم از سوی رژیم‌هایی که ریشه تشکیل هر دویشان به یک نقطه می‌رسد. هم خاندان سعودی و هم رژیم جعلی اسرائیل ساخته و پرداخته انگلیس‌اند!

نحوه مبارزه در این دو جبهه نیز بی‌شباهت با یکدیگر نیست. در هر دو جبهه دست‌های خالی در برابر ارتش‌های مجهز به سلاح‌های مدرن قرار دارند. حمایت‌های سازمان ملل و ابزارهای فریبکارانه دیپلماتیک را هم به سلاح‌های مدرن جبهه اشغالگر در این دو نقطه اضافه کنید. همینطور حضور استراتژیست‌های زبده نظامی، حمایت‌های ویژه تسلیحاتی، نیروهای وارداتی و اجاره‌ای و ...

اسرائیل اگر با جمع‌آوری سیاه‌پوستان اتیوپیایی‌تبار و یهودیان از سراسر دنیا برای تشکیل ارتش و کشور در حال جنایت علیه فلسطینیان است، سعودی‌ها با جمع‌آوری نیروهایی از کشورهای فقیر آسیایی و آفریقایی در حال جنایت در یمن هستند. غرب هم در هر دو جبهه تمام قد حضور دارد.

با دو دو تا چهارتای زمینی اگر محاسبه کنی، امروز نباید از جبهه مظلوم چیزی باقی مانده باشد. فلسطینی‌ها امروز در غزه با بادبادک به جنگ جنگنده‌ها، پهپادها و تک تیراندازان صهیونیست می‌روند و نتیجه هم می‌گیرند. تمام مناطق مسکونی و مزارع نزدیک به مرزهای غزه در سرزمین‌های اشغالی با همین بادبادک‌های آتش‌زا، به جهنم تبدیل شده است. وقوع ۲۴ آتش‌سوزی بزرگ و کوچک طی یک روز(شنبه گذشته) در این سرزمین‌ها از سوی منابع رسمی صهیونیست تایید شده است. یعنی هر یک ساعت یک آتش‌سوزی. نتانیاهو، گفته ادامه این وضع غیر قابل تحمل است و آن را «کابوس واقعی برای اسرائیل» دانسته و «لیبرمن» وزیر جنگ این رژیم هم گفته، اگر این بادبادک‌ها جمع نشود، جوخه‌های ترور را در غزه به کار می‌برد!

اما الحدیده. هنوز یک هفته از حملات بی‌سابقه و گسترده ائتلاف سعودی، فرانسه، انگلیس، رژیم صهیونیستی و امارات به این شهر بندری نگذشته که خبر می‌رسد، الحوثی‌ها با پای برهنه و ابتدایی‌ترین سلاح‌ها پوزه جبهه سعودی، عبری و غربی را به خاک مالیدند. تا همین سه روز گذشته می‌گفتند، الحدیده به محاصره ائتلاف سعودی درآمده و به زودی جشن پیروزی علیه انقلابیون را می‌گیرند. برخی مثل العربیه، بی‌بی‌سی و آسوشیتدپرس حتی تیتر زدند، الحدیده و فرودگاه مهمش به دست ائتلاف عربی افتاد! یعنی، علاوه بر حملات زمینی، دریایی، هوایی به انقلابیون، جنگ رسانه‌ای تمام‌عیاری هم علیه انقلابیون به راه افتاده بود. اما سه روزه ورق به نفع انقلابیون برگشت و جبهه ظلم از این «جنگ سرنوشت‌ساز» هم جز رسوایی، خسارات و تلفات سنگین هیچ طرفی نبست.

«سرنوشت‌ساز» از این جهت که، در صورت شکست انقلابیون، کار برای ادامه مبارزه برای آنها خیلی سخت می‌شد. بندر الحدیده تنها نقطه ارتباطی انقلابیون یمن با خارج از این کشور است. ائتلاف سعودی برای حفظ روحیه مرده متحدانش هم که شده، به یک پیروزی ولو موقت در این بندر نیاز دارد. راز مشارکت مستقیم و عیان این همه کشور ریز و درشت در این نبرد، همین است. اما اوضاع امروز در این بندر کاملا تغییر کرده. اکنون که در حال مطالعه این وجیزه‌اید، جانشین رئیس‌ستاد مشترک ارتش امارات در الحدیده کشته شده، نیروهای ویژه فرانسوی با قایقشان به اسارت انقلابیون در آمده، ۱۰۰ نظامی آمریکایی، اسرائیلی، اماراتی و انگلیسی کشته شده، ۱۶۳ نظامی ائتلاف اسیر و ۱۵۳ نظامی این ائتلاف عربی هم کشته شده‌اند. چندین گردان تا دندان مسلح در اطراف شهر بندری الحدیده زمین‌گیر شده و لحظه به لحظه در حال دادن تلفاتند، محاصره شهر توسط همین انقلابیون و پابرهنگان شکسته شده، سازمان ملل وارد میدان شده تا طبق روال همیشه، با سوء استفاده از «حقوق بشر» مانع از تکمیل رسوایی بزرگ «جبهه ظالم» شود. به طور کلی وعده‌ای که انصارالله در شروع این جنگ داده بود لااقل تا این لحظه، تحقق یافته است. انقلابیون وعده داده بودند الحدیده را به باتلاق ائتلاف غربی، عبری و عربی تبدیل کنند. همه این اتفاقات طی همین سه روز گذشته رخ داده است!

سعودی‌ها قرار بود ظرف یک یا حداکثر دو هفته، نهضت انصارالله و انقلابیون یمن را جمع کنند اما این جنگ ۴ سال به طول انجامیده و جبهه عظیم دشمن را به سخره گرفته است. اسرائیلی‌ها هم ۷۰ سالی می‌شود که به دنبال شکست مقاومت و فلسطینی‌ها و تامین ابتدایی‌ترین نیاز تشکیل یک کشور یعنی «امنیت» هستند. اگر نبود خیانت ارتجاع عرب شاید این رژیم جعلی سال‌ها پیش با همان سرعتی که ساخته شد، از روی زمین محو می‌شد.

راز این پیروزی‌ها در چیست؟ چگونه می‌شود با بادبادک و بالن، با سنگ و چاقو، با این سلاح‌های ساده و ابتدایی، پوزه آمریکا و فرانسه و انگلیس و اسرائیل و آل‌سعود و امارات و .... را با هم به خاک مالید؟

اینکه انصارالله و قبایل یمنی در جنگ‌های چریکی و زمینی تبحر دارند و فلسطینی‌ها به دلیل ۷۰ سال مقاومت، مقاومت را خوب آموخته‌اند قبول. اینکه یک یا حداکثر دو کشور یا یکی دو جنبش از مقاومت حمایت می‌کنند هم قبول. اما قطعا اینها، دلایل اصلی پیروزی انقلابیون پابرهنه نیست. یک دنیا در حال حمایت پنهان و آشکار از جبهه ظلم است اما این جبهه نتیجه نمی‌گیرد. می‌گیرد؟! پس دلیل اصلی کجاست؟

گفتیم این دو جبهه تربیت‌یافتگان مکتب نورانی خمینی کبیر هستند پس قطعا به پیروزی خویش در سایه نصرت الهی و وعده او که فرموده «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا إِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَیُثَبِّت أَقدامَکُم» ایمان دارند. هیچ صاحب اعتقادی نمی‌تواند وجود نصرت الهی را در این پیروزی‌ها انکار کند. اگر نصرت الهی باشد، اسرائیل و آل‌سعود که هیچ، می‌توان «دنیا» را به دست گرفت.

«معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را از سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضاء می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده است.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۵)

امام «نقشه راه» را نشان داده و هر کس با این نقشه حرکت کرده، نتیجه گرفته. فقط یمنی‌ها و فلسطینی‌ها نیستند که با این «نقشه راه» حرکت می‌کنند و نتیجه می‌گیرند. عراق، لبنان، سوریه، نیجریه و... هم با چنین نقشه راهی طعم شیرین پیروزی را یا چشیده‌اند یا به زودی خواهند چشید. مگر شکستن کمر داعش با آن عقبه عظیم و پیچیده، کار همین حشدالشعبی، پابرهنگان، مدافعان حرم و تربیت یافتگان مکتب امام نبود؟!

امروز بسیج پابرهنگان و هسته‌های مقاومت همانطور که امام راحل می‌خواست، در بسیاری از کشورهای دنیا به وجود آمده است: «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است. چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان بوجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵)

این پیروزی‌های شیرین با وجود تمام سختی‌ها و موانع در همه حوزه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و حتی اقتصادی حاصل می‌شود اگر، با این نقشه حرکت کنیم. ان‌شاءالله.

جعفر بلوری

ارزیابی کارشناسان از نامه توصیه به سازش:

به دشمن گرا داده‌اند باید با آنها برخورد شود

سرویس سیاسی-

نامه حیرت آور برخی از اصحاب اصلاح‌طلبی پیرامون مذاکره مستقیم با دولت عهدشکن و مستکبر آمریکا با واکنش افراد و گروه‌های مختلفی روبرو شده است در این میان دانشجویان در بیانیه‌ای تاکید کردند: مذاکره با چه کسی، با چه آورده و چه هزینه‌ای؟؟ ذوق و شوق شتابزده وکودکانه‌ای که از دیدار رهبر کره شمالی با ترامپ در این نامه موج می‌زند ساده‌لوحانه و حماقت‌آمیز است.

در روزهای گذشته زمزمه‌هایی مبنی بر نگارش یک نامه توجه همه را به خود جلب کرده بود اما هنوز هیچ یک از افراد دست‌اندرکار در نگارش‌کننده نامه چیزی نگفته بود تا اینکه گفت‌وگوی اعتماد با «غلامحسین کرباسچی» پرده از این موضوع برداشت.

روزنامه اعتماد دراشاره این گفت‌وگو، نکاتی را مطرح کرد که گویای محتوای آن نامه است. این روزنامه طیف موسوم به اصلاح‌طلب نوشت: «تعدادی از فعالان سیاسی با نوشتن نامه‌ای خطاب به مسئولان عالی‌رتبه نظام خواستار بازنگری در تصمیمات اساسی و مذاکره مستقیم با آمریکا شدند. نویسندگان این نامه بااشاره به «از دست رفتن فرصت مناسب» دولت باراک اوباما از مسئولان تصمیم‌گیر نظام خواسته‌اند «فارغ از جنگ‌های روانی کاخ سفید با یک تصمیم ملی اعلام کند که حاضر به انجام مذاکرات بدون قید و شرط با آمریکاست تا قدمی در راه‌حل مشکلات و اختلافات برداشته شود». در این بیانیه تاکید شده که این مذاکرات «می‌تواند با قدرت و از موضع حفظ منافع ملی دنبال شود» و «در صورت هرگونه زیاده‌خواهی یا عدم ارایه تضمین برای پابرجا ماندن تعهدات، راه بازگشت همیشه باز است.»

انتشار خبر این نامه واکنش‌های مختلف فعالان سیاسی و دانشگاهیان و اهالی رسانه را در پی داشت. در همین زمینه آیت‌الله عباس کعبی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با اشاره به نامه برخی اصلاح‌طلبان برای مذاکره بی‌قیدوشرط با آمریکا اظهار داشت: ما دو نوع اصلاح‌طلبی داریم؛ اصلاح‌طلب آمریکایی که به دنبال به تاراج بردن استقلال، آزادی و شرف ملی است و از این رو دچار خودباختگی در مقابل دشمن است.

آیت‌الله کعبی با بیان اینکه تسلیم در مقابل دشمن مساوی با عقب‌ماندگی خواهد بود، افزود: اصلاح‌طلبی اسلامی نوع دیگر از اصلاحات است که در آن مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و توجه به شرف ملی در اولویت قرار دارد.

تحقیر ملت در برابر دشمن

همچنین حجت‌الاسلام محمدتقی رهبر عضو جامعه روحانیت مبارز، با اشاره به نامه مذکور برای مذاکره بی‌قید و شرط با آمریکا اظهار داشت: کسانی که خواستار مذاکره بی‌قید و شرط با آمریکا شده‌اند، به دنبال اظهار حیات و اقدام علیه سیاست‌های نظام هستند.

عضو جامعه روحانیت مبارز، این حرکت اصلاح‌طلبان را خلاف کرامت و عزت ملی مردم و کشور برشمرد و افزود: همه دیگر می‌دانند که آمریکا به هیچ عهدی پایبند نیست، از این رو اقدام اخیر اصلاح‌طلبان، تحقیر کشور در مقابل دشمن است. این کار آنها به دشمن سوژه و فرصتی می‌دهد تا ادعا کنند در داخل جناح‌های کشور اختلاف‌نظر وجود دارد و نفس این عمل نامناسب است.

رهبر با بیان اینکه شورای امنیت ملی برای برخورد با این افراد باید به این مسئله ورود کند، افزود: این اصلاح‌طلبان به دشمن گرا داده‌اند، لذا باید حداقل با آنها برخورد شود، چرا که آنها یا نمی‌فهمند یا خود را به نفهمی زده‌اند.

این همه ذوق‌زدگی کودکانه!

کانون دانشگاهیان ایران اسلامی درخصوص نامه درخواست مذاکره مستقیم با آمریکا بیانیه‌ای صادر کرد که در ابتدای آن آمده: «در ایامی که طشت رسوایی اعتماد به آمریکا و مذاکره باکدخدا از بام خوش‌خیالی‌ها برزمین واقعیت‌ها افتاده، و ترامپ ماسک لبخند و تزویر را از چهره کریه آمریکا کنار زده و مشت فولادین را از دستکش مخملین بیرون آورده است عده‌ای بریده از تاریخ و هویت ایرانی عَلَم مذاکره بی‌قید وشرط با دولت مستکبر و رئیس‌جمهور جنایتکار آن را برافراشته اند!»

این بیانیه با اشاره به پیش‌شرط‌های گستاخانه دولت آمریکا پیرامون موضوع دفاعی و منطقه‌ای افزوده است: «فهم منطق رفتاری این افراد دشوار ویابس تعجب‌آور است زیرا اگر دغدغه مطرح شده در این نامه یعنی نگرانی از وضعیت کشور را حمل بر صحت نماییم با کمال تاسف و شرمندگی باید در شرایط سلامت دستگاه عقلانی این جماعت شک کرد. مذاکره با چه کسی، با چه آورده و چه هزینه‌ای؟؟ ذوق و شوق شتابزده و کودکانه‌ای که از دیدار رهبر کره شمالی با ترامپ در این نامه موج می‌زند آنچنان ساده‌لوحانه و حماقت‌آمیز است که با همه سوابق ناصواب این جماعت ناهمگون، درحالت خوش‌بینانه اعلام جعل و یا هر عنوان دیگر در تکذیب این درخواست خفت‌بار و ضد مصالح و امنیت ملی مورد توقع است.»

پیشگویی ترامپ!

محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب موتلفه اسلامی با اظهار تأسف از نامه خفت‌بار مدعیان اصلاح‌طلبی به سران نظام برای مذاکره مستقیم با آمریکا گفت: برخی از همین‌ها بودند که در فتنه ۸۸ به کنگره آمریکا و پارلمان اروپا رفتند و با التماس از آنها خواستند که تحریم‌ها را تشدید کنید تا دولت قانونی وقت به زانو در آید.

وی افزود: امروز آنها پس از تجربه تلخ برجام و بدعهدی آمریکا باز اصرار دارند دولت با حکام خائن کاخ سفید دوباره سر میز مذاکره بنشیند و به مطالبات نامشروع آنها در مورد قدرت دفاعی ایران پاسخ مثبت دهد. هر انسان منصف و بی‌طرفی یقین می‌کند که آنها منافع آمریکا را در ایران نمایندگی می‌کنند و کاری با منافع و مصالح ملی ندارند.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

معالجه!

گفت: حمله مشترک آمریکا و فرانسه و انگلیس و اسرائیل و ائتلاف سعودی به الحدیده یمن به کجا کشید؟

گفتم: همه با هم آمده بودند که بندر الحدیده را از دست انصارالله خارج کنند ولی بعد از آنهمه رجزخوانی نه فقط هیچ غلطی نتوانستند بکنند بلکه کلی هم تلفات دادند.

گفت: آمریکا و انگلیس و فرانسه که آنهمه آل‌سعود را دوشیده بودند که کمکش کنند، پس چی شد؟!

گفتم: دوره‌گرد شیادی وارد یک روستا شد و دید خانواده کدخدا بدجوری به سر و کله خودشان می‌زنند و نگرانند. علت را پرسید گفتند؛ کدخدا مریض است. گفت؛ دوای او دست من است، غذای مفصلی بیاورید و مرا با او تنها بگذارید! و بعد از یک ساعت از اتاق خارج شد، پرسیدند کدخدا چه شد؟ گفت؛ کدخدا مرد! پرسیدند این دیگر چه معالجه‌ای بود؟ گفت؛ اگر این معالجه را نکرده بودم، خودم هم مرده بودم و الان دوتا جنازه روی دستتان بود!

بنیاد «دفاع از دمکراسی‌ها» از کاربران ایرانی جاسوسی می‌کند

وبلاگ اف دی دی لیکس فاش کرد: بنیاد دفاع از دمکراسی‌ها با جاسوسی از حساب‌های کاربری ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی، درصدد گرفتن نقطه‌های ضعف از جمهوری اسلامی ایران است.

وبلاگ اف دی دی لیکس در گزارشی نوشت: در تارنمای آمریکایی ترگوم شلیشی (Targum Shlishi) سند منتشر شده از اجرایی شدن پروژه‌ای حکایت دارد که به موجب آن شبکه‌های اجتماعی کاربران ایرانی را برای ارزیابی تاثیر تحریم‌های غرب بر حکومت و شناسایی نشانه‌هایی از نارضایتی‌های مردم تحلیل و بررسی می‌کنند.

بنا بر اطلاعات ارائه شده، بنیاد دفاع از دمکراسی‌ها مجری این پروژه است که از فناوری شبکه‌های اجتماعی در سطح نظامی برای بررسی محتوای ارتباطات کاربران ایرانی استفاده می‌کند تا ببینند آیا تحریم‌های اقتصادی بر نارضایتی در طبقه متوسط و مرفه تا کارگری تاثیری دارد.

بنا بر نوشته وبلاگ اف دی دی لیکس، این پروژه از سال ۲۰۱۲ (۹۱-۱۳۹۰) شروع شده و تاکنون نیز دست اندرکاران آن با کمک‌های مالی رژیم صهیونیستی، آمریکا و تازه‌تر عربستان سعودی و امارات متحده عربی رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی از مکالمات خصوصی کاربران ایرانی جاسوسی کرده‌اند.

در ادامه مطلب آمده است: این چیزعجیبی نیست! هر کارشناس مسائل ایران اوایل سال میلادی جاری (دی ۹۶) پس از روی دادن نخستین وقایع اعتراضی در مشهد می‌توانست وجود فعالیت‌های عجیب را در شبکه‌های اجتماعی این کشور تشخیص دهد که شامل ناامید کردن ایرانیان از هرتلاشی برای اصلاح، تشویق به ادامه اعتراض و تبلیغ حمایتی از رضا پهلوی و مریم رجوی بود.

راهبرد امنیت ملی دونالد ترامپ با عنوان «تغییر حکومت» نیز با استناد به هزاران حساب کاربری جعلی ترتیب داده شد، درست مانند حساب‌های کاربری که برای تاثیرگذاری بر نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا شکل گرفت.

به گزارش ایرنا، وبلاگ آمریکایی نوشته است: به نظر می‌رسد آنچه این روزها در شبکه‌های اجتماعی ایران روی می‌دهد، تلاش برای تبلیغ دیدگاه‌های موافق مداخله خارجی و حامی تغییر حکومت است.

برکسی پوشیده نیست که خروج رئیس‌جمهوری آمریکا از توافق هسته‌ای (برجام) نیز عمدتا نتیجه تلاش‌های بنیاد دفاع از دمکراسی‌ها بود. این بنیاد که به توجه و پژوهش بر محور خاورمیانه به ویژه درگیری‌ها و مسائل مرتبط با رژیم صهیونیستی تمرکز دارد، دنباله‌رو مواضع حزب لیکود و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل است.

در پایان مطلب وبلاگ اف دی دی لیکس آمده که بنیانگذاران اصلی این بنیاد محصول فکری یکی از روزنامه‌نگاران نیویورک تایمز (کلیفورد می) تقریبا همگی پیشینه‌ای طولانی در تامین مالی سازمان‌های حامی رژیم صهیونیستی دارند.

خبر ویژه

خودروسازانی که به مردم اجحاف می‌کنند از مریخ آمده‌اند؟!

در حالی که اغلب محافل رسانه‌های حامی دولت، دولتمردان را به‌خاطر سوءمدیریت شدید و دامن زدن گرانی در بازار مورد اعتراض قرار داده‌اند، روزنامه جمهوری اسلامی مدعی شد دولت هیچ سهمی در آشفته‌بازار اقتصادی ندارد!

این روزنامه در سرمقاله خود با اشاره به نارضایتی مردم از گرانی و مشکلات اقتصادی نوشت: «اولین واقعیت این است که به وجود آمدن شرایط کنونی که یکی از عوامل بالا رفتن قیمت‌ها و نابسامانی اقتصادی است، نتیجه سیاست‌های دولت نیست. عوامل خارج از اراده دولت و در مواردی برخلاف سیاست‌های دولت، در پدید آمدن شرایط کنونی نقش اساسی داشتند و دارند روشن است که هیچ‌کس را به خاطر گناه ناکرده نمی‌توان سرزنش یا عقوبت کرد.

دومین واقعیت، بی‌ابزار بودن دولت است. در شرایط دشوار اقتصادی، دولت‌ها معمولاً از ابزارها و اهرم‌های موجود در کشور برای مقابله با مشکلات استفاده می‌کنند. در جامعه‌ای که بنگاه‌های بزرگ و تأثیرگذار اقتصادی در دست دولت نیست، از دولت چه انتظاری می‌توان برای مقابله با مشکلات داشت؟ علاوه بر بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، اهرم‌های قدرت در زمینه‌های مختلف که می‌توانند با عوامل مخرب اقتصادی مقابله کنند نیز در اختیار دولت نیستند. به عبارت روشن‌تر، زمانی که دولت به مثابه یک شاه بی‌لشکر است چگونه می‌توان انتظار داشت با عوامل مخرب اقتصاد مقابله کند؟

سومین واقعیت، که البته بسیار تلخ‌تر از دیگر واقعیت‌هاست، ابزارهای جنگ روانی است که در جامعه ما در اختیار مخالفان دولت است و دولت حتی فاقد ابزارهای مقابله با این جنگ روانی است. بلندگوهای مخالف دولت نقاط ضعف را چند برابر آنچه هستند جلوه می‌دهند ولی از نقاط قوت هیچ نمی‌گویند.»

انتشار این تحلیل عجیب در حالی است که دولت روحانی ظرف ۵ سال گذشته سکان سیاستگذاری امور اجرایی و اقتصادی را در دست داشته و ضمن انکار دشمنی‌های دشمن، از شیطان بزرگ و اقمار اروپایی آن، تصویر «شریک اقتصادی و منجی اقتصاد کشور»! را به مردم نشان داد و خود نیز باورش شد که به جای تدبیر امور، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و کاهش وابستگی به خارج، باید دست روی دست بگذارد و در انتظار معجزه برجام و قول‌های طرف آمریکایی و اروپایی بنشیند.

از سوی دیگر دولت آن‌گونه که نویسنده تحلیل می‌گوید فاقد ابزار و اهرم است، چرا روحانی برای بار دوم نامزد شد و وعده‌های بزرگ‌تر در تبلیغات انتخاباتی داد. یعنی آن زمان امثال نویسنده روزنامه جمهوری اسلامی دانستند او خلاف واقع می‌گوید و سکوت کردند؟ این که خیانت بزرگی است!

اما واقعیت این است که دولت در عرصه اقتصادی، اختیارات بی‌نظیر و بلامعارض دارد. به همین دلیل نیز انواعی از سیاست‌های اقتصادی کشنده آستانه را در حوزه ارز و واردات تجمع و اجازه خروج بی‌مضایقه ارز از کشور به اجرا گذاشت و با سیاست‌های خود، شرایط تضعیف بنیه اقتصادی را فراهم کرد. گسترش بی‌رویه واردات، تولید ملی را به حاشیه راند و وقتی تولید ملی افت کند، یکی از نتایج آن، رکود اقتصادی و میل کردن نقدینگی به سمت دلالی و واسطه‌گری و به‌هم ریختن بازار با سوداگری کاذب است. ۳ برابر شدن نقدینگی در دولت روحانی و سوق یافتن این رقم ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومانی به سمت دلالی مسکن و ارز و طلا و خودرو، باعث بروز گرانی‌های بی‌سابقه در این حوزه‌ها شده؛ چنان که دلار از ۳۳۰۰ تومان به ۷ هزار تومان رسید، قیمت سکه ظرف یک سال دو برابر شد و به ۲/۵ میلیون تومان افزایش یافت، مسکن تورم ۳۵ درصدی را تجربه کرد و قیمت‌های خودروهای فروشی شرکت‌های دولتی ترمز بریده است. جالب اینکه دولت به بهانه حمایت از تولید و تحت عنوان بسته‌های حمایتی، چند هزار میلیارد تومان وام برای خرید خودروهای انباشته دو شرکت خودروساز دولتی در پایان سال ۹۴ اختصاص داد. اما همین شرکت‌ها پس از رونق گرفتن و فروش ۱۵۰ هزار خودرو از طریق اعتبار اختصاص یافته دولت، به جای قدرشناسی از مردم، به فکر اجحاف به مردم افتاده‌اند.

پنج پیشنهاد به دولت برای مدیریت جدی مصارف ارزی

«دولت در طول سال‌های اخیر، نظارتی بر خروج ارز از کشور به بهانه‌های مختلف نداشت و همین امر در التهاب اخیر ارز موثر بود».

وحید شقاقی اقتصاددان در گفت‌وگو با فرارو اظهار داشت: ما در سال‌های اخیر می‌توانستیم واردات کالاهای مصرفی را مدیریت و ساماندهی کنیم و با قاچاق کالا مبارزه جدی داشته باشیم. اما سال گذشته بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار قاچاق کالا داشتیم. در واقع به اندازه این رقم ارز از اقتصاد ایران خارج شده است که در عرضه ارز تبعات جدی دارد. در همان سال ۱۰ میلیارد دلار هم ارز مسافری از کشور خارج شد. ما ۹ونیم میلیون گردشگر داشتیم که از کشور خارج شدند. اگر هر کدام از این گردشگران به طور متوسط هزار دلار با خود برده باشند رقمی در حدود ۱۰ میلیارد دلار به دست می‌آید. هفت میلیارد دلار هم همچنین کسری تراز تجاری غیرنفتی‌مان بوده است که خروج ارز از کشور را نشان می‌دهد. یعنی واردات رسمی به میزان هفت میلیارد دلار از صادرات غیرنفتی‌مان بیشتر بود. همچنین حدود ۳۰ میلیارد دلار نیز خروج سرمایه از کشور بوده است. به عبارت دیگر صادرکنندگان غیرنفتی ما ارز حاصل از صادرات خود را به اقتصاد ایران وارد نکردند. همه این موارد عرضه ارز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در حالی که این موارد قابل مدیریت و ساماندهی بودند.

شقاقی همچنین می‌گوید: نسبت نقدینگی به تولید ما به بیش از ۱۱۰ درصد رسیده است. این شاخص بعد از انقلاب حداکثر ۵۰-۶۰ درصد بوده است. این ابر عظیم نقدینگی بالاخره باید یک جا ببارد که ساده‌ترین و آسان‌ترین محل بازار سفته بازی دلار است. این مسئله نیز تقاضای ارز را افزایش می‌دهد. اینها باعث شد که ارز از سه هزار و ۵۰۰ تومانی به هفت هزار تومان برسد. با اینکه دولت سعی کرد بازار ارز را با افزایش نرخ سود بانکی، تحت کنترل خود درآورد، اما اقداماتش چاره‌ساز نشد و ۱۲ هزار میلیارد تومان هم خسارت روی دست دولت گذاشت. ابلاغ نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی از سوی معاون اول رئیس‌جمهور نیز چاره‌ساز نشد و از فردای آن روز بازار موازی با نرخ‌های ۵هزار و ۵۰۰تومان و شش هزار تومان به وجود آمد. به این ترتیب همین موضوع بر تورم تاثیر گذاشت.

این اقتصاددان پنج گام پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: گام نخست ساماندهی صادرات و مدیریت واردات است. نه تنها باید ورود کالاهای لوکس به کشور را حذف کرد بلکه باید جلوی حداقل ۵۰ درصد ورود کالای غیرضروری را گرفت. ما اکنون در شرایط جنگ اقتصادی هستیم و دولت باید به شدت از ارز محافظت کند. نمونه‌های مشابه برخی کالاهای وارداتی در داخل کشور هست. بعضی از کالاهای وارداتی هم اگر حذف شوند زندگی مردم را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. گام دوم مبارزه جدی با قاچاق کالاست. گام سوم بحث مدیریت و ساماندهی ایرانیانی است که به عنوان گردشگر از کشور خارج می‌شوند و با خود ارز خارج می‌کنند. ما ضمن آنکه باید عوارض خروج گردشگر را افزایش دهیم نباید اجازه دهیم ارز به مقدار بالا همراه مسافر خارج شود. ما برای هر مسافری که از کشور خارج می‌شود ۵۰۰ یوروی دولتی در نظر می‌گیریم. در حالی که یورو در بازار آزاد عدد بالاتری است. گام چهارم هم این است که دولت با خروج سرمایه مقابله کند. لازمه این مسئله آن است که دولت با صادرکنندگان غیرنفتی وارد تعامل شود و با جدیت جلوی خروج سرمایه را بگیرد. گام آخر هم این است که مدیریت نقدینگی باید جدی گرفته شود. این نقدینگی می‌تواند در یکی از بازارهای سفته بازی خود را نشان دهد.

سفر نمایشی ۱۸۰ هیئت خارجی کمترین تاثیری در ایجاد اشتغال نداشت

یک کارشناس اقتصادی معتقد است آمار اشتغال دولت واقعیت ندارد.

پرویز جاوید عضو انجمن اقتصاددانان می‌گوید: شعاری که تیم اقتصادی دولت مطرح کرد، ایجاد ۷۰۰ هزار شغل در سال بود. بنده این برنامه‌ها را آنچنان موفق ندیدم. تصور می‌کنم دولت چیزی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار شغل در سال ایجاد کرده است.

وی در گفت‌وگو با روزنامه فرهیختگان و در پاسخ این سؤال که «هر از چندگاهی دولت آمارهایی درباره ایجاد شغل ارائه می‌کند؛ از سالی ۵۰۰ تا ۹۰۰ هزار به تناوب اعلام شده است. به نظر شما دولت این آمارها را طبق چه چیزی ارائه می‌کند؟» خاطرنشان کرد: این آمارها بسیار متفاوت و متناقض است. مرکز آمار، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی آمارهای متفاوتی ارائه می‌کنند، ولی اینکه چه اتفاقی باید بیفتد که مثلا ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شود، من می‌گویم باید سرمایه‌گذاری شود. دولت براساس حجم سرمایه‌گذاری‌ها می‌گوید این مقدار شغل ایجاد شده؛ باید از دولت پرسید این سرمایه‌گذاری در کدام بخش‌ها صورت گرفته است؟ و بعد از آن باید به تفکیک بخش‌های اقتصادی آمار اشتغال را اعلام کند تا بتوان درباره آن قضاوت کرد. من تاکنون ایجاد این مقدار شغل را در کشور ندیده‌ام و ایجاد ۷۰۰ هزار شغل را که دولتی‌ها مدعی آن هستند، رد می‌کنم.

جاوید گفت: دولت شعار مبارزه با تورم را داد ولی نتیجه آن افزایش رکود شد. البته همین شعار تورم نیز موفق نبود و تورمی که گفتند یک‌رقمی شده اکنون به سمت دورقمی شدن پیش می‌رود؛ به قول معروف از اینجا رانده و از آنجا مانده شدیم.

این کارشناس اقتصادی درباره قراردادهایی که ادعا می‌شد پس از برجام منعقد شده تصریح می‌کند: بعد از امضای برجام افتخار دولت این بود که هیئت‌های خارجی زیادی روانه ایران شدند. نزدیک به ۱۸۰ هیئت تجاری، اقتصادی و صنعتی به کشور آمدند و همه نیز با اعضای اتاق بازرگانی جلساتی را برگزار کردند. بنده به شخصه در جلسه با ۱۵۰ هیئت تجاری حضور داشتم. در هیچ کدام از این جلسات قراردادی ندیدم و فقط تفاهمنامه‌هایی بین طرفین امضا شد. به طور کل قراردادی به بخش خصوصی بسته نشد و فقط با دولتی‌ها قراردادهای محدودی را امضا کردند. در این موضوع نیز دولتی‌ها گوی سبقت را از بخش خصوصی ربودند. البته با خروج آمریکا از برجام این شرکت‌ها در حال ترک کشور هستند. بعد از برجام هیچ اتفاق مهمی در بخش خصوصی نیفتاد. در بخش دولتی نیز سرمایه خارجی در جاهایی که نفت پشتوانه آن بود یا دولت مستقیما پشتیبانی کرد مانند هواپیمایی ورود پیدا کرد یا جاهایی رفتند که پتروشیمی پشتوانه آن بود.

جاوید گفت: متاسفانه دولت بیش از اندازه به برجام دل بسته بود.

برجام زمانی جناحی شد که منتقدان را به توپ اهانت بستید

حق با آقای عراقچی است که می‌گوید «برجام از همان ابتدا یک موضوع بزرگ ملی بوده است ولی متاسفانه در روند خود از یک موضوع ملی به یک موضوع فروملی و بحث‌های داخلی و جناحی تبدیل شد». روزنامه وطن‌امروز با طرح این مطلب نوشت: اظهارات آقای عراقچی درباره تبدیل برجام از یک موضوع «ملی» به «فروملی» کاملا با واقعیات جاری در قبال «رویکرد دستگاه دیپلماسی نسبت به منتقدان» و «نوع رفتار دولتمردان» همخوانی دارد.

عصاره کلام منتقدان برجام - از سال ۹۲ تاکنون - کاملا مشخص بوده است. نوع انتقادات مطرح شده از سوی آنها نیز معطوف به «راهبرد مذاکره»، «تاکتیک مذاکره» و «محتوای توافق هسته‌ای» بوده است، بنابراین مباحث محتوایی مطرح شده از سوی منتقدان برجام نه تنها مصداق تبدیل یک موضوع «ملی» به «فروملی» نبوده، بلکه مصداق عینی «تقویت یک دغدغه ملی» در حوزه سیاست خارجی کشورمان بوده است. با این حال سوال اصلی اینجاست: چه کسانی برجام را از یک موضوع بزرگ ملی به موضوعی «فروملی» تبدیل کردند؟ فراتر از توهین‌های مستقیم شخص آقای رئیس‌جمهور به منتقدان از جمله بی‌سواد و بی‌شناسنامه خواندن آنها و حواله‌شان به جهنم! رویکرد دستگاه سیاست خارجی کشورمان نیز مقوم و مکمل روند سلبی اتخاذ شده از سوی دولت محترم بود! در ادبیات مسئولان محترم دستگاه دیپلماسی، «دلواپسان» به مثابه «ناقضان منافع ملی» و در مقابل، «مدافعان مطلق برجام»- دل‌آرامان!- به عنوان «قهرمانان دیپلماسی» مورد شناسایی و تفسیر قرار گرفتند.

این عبارات و گزاره‌ها، به اندازه‌ای از سوی رسانه‌های وابسته به جریان دولت و اصلاحات مورد تاکید و ترویج قرار گرفت که در میان بخشی از جامعه تبدیل به یک «باور» شد. به عبارت دقیق‌تر، برجام زمانی به یک موضوع «فروملی» تبدیل شد که «منتقدان توافق هسته‌ای» با سخت‌ترین تعابیر گفتاری و سلبی‌ترین نوع رفتار ممکن از سوی مقامات دولت یازدهم مورد عتاب و خطاب قرار گرفتند.

اگر هدف دکتر عراقچی از بیان موضوع تبدیل برجام از یک موضوع «ملی» به «فروملی»، اعتراف دولت و دستگاه دیپلماسی نسبت به برخورد و مواجهه سلبی و غیرقابل توجیه خود با منتقدان توافق هسته‌ای است، باید از این اظهارات استقبال کرد؛ چنین رویکردی می‌تواند ضمن جبران بخشی از خسارات گذشته، زمینه را برای شکل‌گیری یک «تعامل پویا» در حوزه سیاست خارجی کشورمان مهیا کند؛ با این حال اگر خدای ناکرده هدف معاون سیاسی وزارت امور خارجه کشورمان از این سخنان، تخطئه صدباره منتقدان دلسوز توافق هسته‌ای است، نمی‌توان از کنار آن گذشت! چنین اقدامی مصداق بارز «سوءاستفاده از سکوت دردمندانه منتقدان برجام» محسوب می‌شود.

سهم دولت در سفته‌بازی و حباب‌سازی در بازارها

عملکرد دولت، قدرت سفته‌بازی و حباب‌سازی در بازارها را تقویت کرده است.

روزنامه جوان در گزارشی در همین زمینه نوشت: اگرچه این روزها دولت استراتژی خود را بر این پایه تنظیم کرده که نوسان قیمت در بازارها را به حباب و سفته‌بازی نسبت بدهد، اما بررسی وضعیت اقتصادی نشان می‌دهد که آزادسازی نرخ سود بانکی در سال‌های ابتدایی دولت یازدهم و همچنین حذف مالیات از مجموع درآمد و ثروت از قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۹۲ اشتهای سفته‌بازی و نوسان‌گیری در اقتصاد ایران را بسیار تقویت کرد. وقتی در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری روحانی به یکباره مشاوران اقتصادی وی و گردانندگان بانک مرکزی و شبکه بانکی که معروف به مؤسسه نیاورانی‌ها هستند، معتقد شدند که نرخ سود بانکی باید توسط بازار تعیین شود و نرخ سود بانکی آزاد شد، بسیاری از کارشناسان بانکی به دولت هشدار دادند که این نرخ سودهای پرداختی علی‌الحساب محقق نمی‌شود و این رویداد هم ترازنامه بانک‌ها را با ریسک و خطر مواجه می‌کند و هم اینکه قدرت سفته‌بازی و حباب‌سازی در بازارها و اقتصاد ایران را تقویت می‌کند.

در سال‌های ابتدایی دولت یازدهم، بانک‌ها برای جذب منابع و سپرده به پرداخت سودهای بالا رو آوردند، این امر تا جایی ادامه یافت که بالاخره دولت از تصمیم خود مبنی بر آزادسازی نرخ سود بانکی عقب‌نشینی کرد و برای پرداخت سود در شبکه بانکی قوانین و مقررات و ضوابط و محدودیت‌هایی وضع شد، اما این مقررات در شرایطی وضع شد که پرداخت نرخ سودهای بالا در سال‌های ابتدایی دولت حسن روحانی عملاً حجم عظیمی از پول بدون پشتوانه در فضای اقتصادی را پدید آورده بود، به طوری که تنها در طول پنج سال ابتدایی دولت هزار میلیارد تومان بر حجم نقدینگی کل کشور افزوده شد و هم اکنون کل حجم نقدینگی به هزار و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

نکته نگران کننده‌تر آن است که هم اکنون تنها در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از حجم کل نقدینگی به شکل قدرت خرید آنی دارد، زیرا در قالب پول کاغذی، مسکوکات، سپرده‌های جاری و دیداری است و هزار و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از حجم نقدینگی کل کشور در سپرده‌های بلند مدت بانکی فعلاً حبس شده است که فضای روانی نامناسب در اقتصاد اگر تنها بخشی از این پول‌های در حبس را آزاد کند، مجدداً شاهد نوسان‌های غیرقابل کنترل در بازارها خواهیم بود، در عین حال برای تداوم حبس این پول‌ها در حساب‌های سپرده بلند مدت بانکی مجبور به پرداخت سودهای بالا هستیم که خود نیز به رشد شدیدتر حجم کل نقدینگی در کشور می‌انجامد که به معنی رشد ریسک پول در پشت سد شبکه بانکی است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* باغ برجام محصول داده اگر افراد بی‌سواد و بدون شناسنامه باور ندارند سری به فروشگاه‌های کشور بزنند و از نزدیک شاهد فروش کالاهای خیلی معمولی ساخت کشورهای اروپایی به قیمت بیکار شدن جمعیت کارگران کشور باشند.

۰۹۱۴---۶۹۱۲

* با ۳۶۰ میلیون تومانی که هزینه تعمیر چند دستشویی مجلس شده می‌توانستند مشکل ازدواج تعدادی از جوانان کشور را حل بکنند ولی وقتی برخی از مسئولان احساس درد ندارند چه باید کرد؟

۰۹۳۵---۹۶۵۵

* قابل توجه نمایندگان محترم به ویژه هیئت رئیسه مجلس! نابسامانی‌های ارزی و گرانی از امور خلق‌الساعه نیست! وقتی که در این ۵ سال گذشته تقریباً همه اقدامات دولت را تأیید کردید باید هم امروز شاهد این نابسامانی‌ها باشید، دلسوزان دائم تذکر دادند ولی توجهی نشد.

نیکنام

* عربستان خائن و امارات خبیث با کمک‌های آمریکا و انگلیس جنایتکار پس از شکست‌های نظامی پی در پی از انصارالله یمن در یک جنایت سبعانه اقدام به بمباران بندر استراتژیک الحدیده کرده‌اند. تکلیف انسانی و شرعی حکم می‌کند برای شکسته شدن محاصره غذایی و دارویی این کشور مظلوم و مسلمان دولت و ملت پای کار بیایند و هر آنچه را که لازم است تهیه و ارسال نمایند.

۰۹۱۸---۵۴۱۱

* ۴۰ سال است ملت شریف ایران، پرچم ظلم‌ستیزی را به امامت امام راحل(ره) و امام خامنه‌ای به دوش کشیده و هزینه آن را بدون خستگی پرداخت کرده است. ولی اینکه دولتمردان ما با دول خبیث اروپایی مثل انگلیس و فرانسه- که در یمن حمام خون به راه انداخته‌اند- به گفت‌وگو و مذاکره مشغولند چه توجیهی دارند؟

دولابی

* با اینکه احتمال جنگ آمریکا علیه ایران در حد محال است، کاسبان برجام مرتب به جامعه و مخاطبین القاء می‌کنند که خارج شدن ما از برجام موجب جنگ خواهد شد! در حالی که خسارت ماندن در برجام شکست خورده اگر از خسارت جنگ بیشتر نباشد قطعاً کمتر نیست.

۰۹۱۲---۳۱۰۴

* منظور امام راحل(ره) از عبارت عصاره ملت آن مجلس نبود که از یک سو قوانین دشمن پسند و ضد امنیتی تصویب می‌کند و از سوی دیگر طرح دو فوریتی عفو محکومان سیاسی و فتنه‌گران را ارائه می‌دهد!

۰۹۱۸---۹۰۸۲

* ضمن تشکر از بازی خوب فوتبالیست‌ها، ولی مطالبات یک ملت بزرگ را در حد یک بازی تنزل دادن جفای بر این ملت است. آیا در موفقیت‌های علمی خیره کننده جوانان این مرز و بوم که در شرایط تحریم بارها جهان را به حیرت درآورده‌اند نباید شاهد چنین جشن و سروری بود؟!

طباطبایی

* آمریکایی‌ها هدفشان به هم خوردن وضعیت داخل کشور است باید همه کمک کنند تا دشمنان از رسیدن به هدف شوم خود ناامید بشوند.

۰۹۳۵---۱۷۵۸

* اعتماد نکردن رهبر معظم انقلاب به دشمنی مانند آمریکا ریشه قرآنی و اسلامی داشت و اصولاً عدم اعتماد به دشمنان سنت رسول‌الله بوده است. چرا آزمون و خطا را جایگزین سنت رسول خدا(ص) کردید که امروز این قدر پشیمانی به بار بیاورید؟

۰۹۳۵---۷۷۴۴

* اشعار دردمندانه دکتر میثم مطیعی قبل از شروع نماز عیدفطر در تهران را نماد غیرت و بصیرت پویندگان سیره شهدای انقلاب اسلامی می‌دانیم و برای موفقیت روزافزون امثال ایشان دعا می‌کنیم.

۰۹۱۸---۲۹۸۲

* دلسوزان نظام باید از تصویب الحاق به FATF که تسلط بیگانگان بر کشورمان را در پی خواهد داشت، مانع شوند.

۰۹۱۳---۹۵۲۷

* شورای رقابت، میزان افزایش قیمت خودروها را اعلام نموده، ولی برخی فروشندگان در سطح شهر (نمایشگاه‌داران) به عنوان دلال، به افزایش قیمت غیرقابل قبول، ادامه می‌دهند. لازم است هم مدعی‌العموم و هم متولیان امر با برخی از نمایشگاهها و محتکرین برخورد کنند.

۰۹۱۲---۴۹۶۷

* اگر رفتار و اظهارات مقامات غربی در مورد توافق هسته‌ای و دیگر موضوعات مطروحه را کنار هم بگذاریم به پازلی برخورد می‌کنیم که عوامل دشمن در داخل ادامه آن را برعهده گرفته‌اند. مجلس دانسته یا ندانسته یک طرح ضدایرانی را به تصویب رساند که تسهیل‌کننده تحریم حافظان امنیت کشور و بلکه منطقه یعنی سپاه‌پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر نهادهای انقلابی خواهد بود.

۰۹۱۸---۹۸۹۱

* بعد از احتکار خودرو توسط شرکت‌های خودروسازی نوبت به احتکار میلگرد در شهرها و از جمله شهر آران و بیدگل رسیده است. مسئولان شهر اعلام می‌کنند توان برخورد ندارند. پس چرا و برای چه قبول مسئولیت کرده‌اند؟

۰۹۳۰---۰۶۷۴

* در پاسخ تیتر روزنامه کیهان که نوشته بود آقای روحانی در سال ۹۲ وعده دادند که کاری می‌کنند که مردم به یارانه ۴۵ هزار تومانی توجهی نکنند! به نظرم رئیس‌جمهور درست گفته است و به وعده‌اش عمل کرد و با این تورم، گرانی، افت ارزش پول ملی، دیگر یارانه درد مردم را دوا نمی‌کند و توجهی به آن نمی‌کنند!

۰۹۱۲---۴۹۴۳

* شهروندانی که در این آشفته‌بازار با خرید هزاران سکه طلا به افزایش قیمت آن دامن زده‌اند حتما باید یارانه‌شان توسط دولت قطع بشود و در مرحله بعد از آنان مالیات اخذ بکنند.

۰۹۱۵---۵۲۵۵

* از خداوند می‌خواهیم به مسئولان و مدیران صدا و سیما توفیق بدهد به جای یکی از این سریال‌های بی‌محتوا و فاقد پیام و گاه پر از سیاهی و یاس‌آفرینی، فیلم و سریالی با مضمون حمایت از تولیدات داخلی تولید و روی آنتن بفرستند.

۰۹۳۵---۰۲۲۰

* از وقتی که با هدف جلوگیری از اسراف در مصرف کاغذ از دریافت قبض تلفن همراه انصراف داده‌ام پول تلفن همراه بنده زیاد و بیش از گذشته اعلام و دریافت می‌شود چرا به جای اینکه تشویق بکنند برعکس نقره‌داغ می‌کنند؟!

۰۹۱۲---۵۳۶۴

* تیم فوتبال آرژانتین مسابقه دوستانه با رژیم اشغالگر صهیونیستی را تحریم کرد. آن وقت عده‌ای از عملکرد آن فوتبالیست خطاکار و البته نادم در بازی تیم یونانی با رژیم صهیونیستی دفاع کردند. امیدوارم این عده صدای مردم دنیا در دفاع از مردم مظلوم فلسطین را به خوبی درک کرده باشند.

۰۲۱---۰۱۲۹

* سه ماه از سال ۹۷ سپری شده دولت نتوانسته وعده افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان خود را عملی کند پس چرا در پرداخت حقوق‌های نجومی به خودشان مشکل ندارند؟

۰۹۱۱---۲۹۴۵

* برای خرید کاتالیست اگزوز خودرو به هر نمایندگی یا فروشگاه لوازم یدکی خودرو مراجعه کردم عنوان کردند، کاتالیست در بازار کمیاب شده و قیمت مشخصی ندارد! چرا نظارت مستمر و دقیقی روی لوازم یدکی خودروها نیست؟

۰۲۱---۷۴۷۲

* بیش از ۶ سال است مجبور به استفاده از پوشک بزرگسالان برای همسر بیمارم هستم و با این حقوق اندک بازنشستگی واقعا فشار بر خانواده‌ها می‌آید. اخیرا شرکت مربوطه قیمت آن را از ۲۵ هزار تومان به ۳۶ هزار تومان افزایش داده است. چون مسئولان امر از مردم درخواست کردند که گرانفروشی‌ها را اعلام کنند. امیدوارم که مورد رسیدگی قرار گیرد.

سجادزاده

کیهان: نام و مشخصات شرکت تولیدکننده در دفتر روزنامه محفوظ است.

* کارگران زحمتکش شهرداری (پاکبانان) همیشه قبل از پایان مراسم راهپیمایی‌ها، مراسم نماز جمعه، روز قدس، ۲۲ بهمن، ۱۳ آبان و... به دستور مسئولان امر از محل تجمع مردم را جارو می‌کنند و این کار باعث ایجاد گرد و غبار و آزار و اذیت مردم خصوصا در روز قدس می‌شود. لازم است این کار پس از اتمام راهپیمایی و مراسم و متفرق شدن مردم صورت گیرد.

۰۹۱۹---۶۸۵۸

* اواخر سال ۹۵ بازنشسته تأمین اجتماعی شدم. آن موقع حقوق‌ها ۲۵ هر ماه پرداخت می‌شد. سال ۹۶ یک روز به عقب کشیده شد و بیست و ششم ماه پرداخت می‌شد و امسال به بیست و هفتم ماه افتاده است. حقوق خرداد که دولت اعلام کرد به مناسبت عید سعید فطر ۲۵ خرداد پرداخت خواهد شد متأسفانه تا ۹۷/۳/۲۷ هنوز پرداخت نشده است. چرا؟ آیا قصد کرده‌اند با یک روز یک روز کشیدن به عقب یک ماه حقوق‌بگیران را طلبکار کنند!

۰۹۳۶---۷۱۹۸